

پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی

سیدعلیرضا افشانی *

سمیه فاضل نجف‌آبادی **

محمد حیدری ***

محمد نوریان نجف‌آبادی ****

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۲۶

چکیده

اعتماد اجتماعی از عناصر ضروری زندگی اجتماعی و از اجزاء سازنده سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید. به عقیده بسیاری از محققین و صاحب‌نظران، یکی از عواملی که نقش قابل ملاحظه‌ای در افزایش اعتماد اجتماعی دارد، دین است. هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین میزان دینداری با ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است.

* دکترای جامعه‌شناسی و استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

afshanalireza@yazduni.ac.ir

somayefazel61@yahoo.com

mohamad289@gmail.com

mohammadnorian@yahoo.com

** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

**** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایش بوده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر نجف آباد بوده‌اند که ۲۴۴ نفر از آنها با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده و به کمک نرم‌افزارهای SPSS و لیزرل مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که بین میزان دینداری با ابعاد مختلف میزان اعتماد اجتماعی (به جز اعتماد به محیط)، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان دینداری، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد بین‌شخصی افزایش می‌یابد. در مجموع نیز با افزایش میزان دینداری، میزان اعتماد اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

نتایج این تحقیق همسو با دیدگاه جامعه‌شناسان بزرگی همچون دورکیم و گیدنز است که معتقدند رابطه مستقیمی بین میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی وجود دارد. **واژه‌های کلیدی:** اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین‌شخصی، دینداری.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مفاهیم بسیار مهم در جامعه‌شناسی معاصر که در بررسی و تحلیل کمیت و کیفیت روابط اجتماعی به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته، سرمایه اجتماعی^۱ است. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (Alesina & La Ferrara, 2000). اعتماد اجتماعی^۲، یکی از مقولات و عناصر بنیادین در برقراری تعامل اجتماعی است (شارع‌پور، ۱۳۸۳؛ Hardin, 1996). اعتماد، شاخصی از سرمایه اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند (Cook, 2001) و در تحقق نظم اجتماعی و نیز زندگی روزمره، عنصری ضروری و حیاتی بشمار می‌آید (چلبی، ۱۳۷۵).

1 - Social Capital

2 - Social Trust

در جوامعی که اعتماد بالایی وجود دارد، مسئولیت‌پذیری بیشتری در سطوح پایین جامعه دیده می‌شود و در جوامعی که اعتماد کمتری وجود دارد، به نوعی فرار از مسئولیت بیشتر دیده می‌شود (Erden and Erden, 2009: 2180).

در دنیای بدون اعتماد، زندگی سخت و نظم اجتماعی شکسته می‌شود. در صورت عدم وجود اعتماد، نهادهایی که نوعاً مقررات و نظارت اجتماعی را در جامعه تولید و تقویت می‌کنند و شرایط سازمانی را برای همکاری در جامعه مهیا می‌سازند، باید برای برقراری نظم اجتماعی عملکرد خود را بصورتی متصلب و انعطاف‌ناپذیر اجرا کنند (Cook, 2001). اعتماد شالوده زندگی و بی‌اعتمادی سرچشمه بسیاری از گرفتاری‌های و نابسامانی‌ها است. بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی و در کل عدم رعایت اخلاق در جامعه ناشی از بی‌اعتمادی است، اگر مردم به ورطه دورویی و چندشخصیتی‌شدن سوق می‌یابند، به خاطر این است که اعتقاد و اعتماد عمومی تنزل یافته است و آن‌ها دچار سرخوردگی از مقوله اعتماد گشته و مبادرت به انجام چنین اعمالی می‌نمایند (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۲).

«دین اساساً با نمادهایی سرو کار دارد که غیرعینی‌اند و احساسات، ارزش‌ها و امیدهای مؤمنان را بیان می‌کند یا جریان کنش متقابل میان انسان‌ها و اعیان خارجی را سازمان داده و به نظم می‌کشاند، یا کل مجموعه اذهان و اعیان را جمع‌بندی می‌کند و یا زمینه این کل را نشان می‌دهد» (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۵). دینداری عبارت خواهد بود از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت‌یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). و دیندار «کسی است که با آگاهی (اگر چه در حداقل) به اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل، پیروی آن دین را اتخاذ می‌کند، به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی و غیردینی او تأثیر می‌گذارد» (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ، ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی است (زین آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲). دین یکی از ابزارهای سازمان‌دهنده اعتماد است که به چندین طریق عمل می‌کند. عقاید دینی، نوعاً قابلیت اطمینان و اتکا را وارد تجربه رویدادها و وضعیت‌ها می‌کنند و چارچوبی تشکیل می‌دهند که براساس آن می‌توان رخدادها و وضعیت‌های مذکور را تبیین کرد و در مقابل آن‌ها واکنش نشان داد (همان: ۴۷). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی نسبت به اقشار و گروه‌هایی که به نحوی به نهادهای فرهنگی، آموزشی و دینی ارتباط دارند در مقایسه با اقشار دیگر افزون‌تر است. ریشه این امر را باید در مؤلفه‌های اعتمادسازی جستجو کرد که از یک طرف با آموزه‌های دینی و از طرف دیگر با اعتقادات و باورهای عمومی در ارتباطی نزدیک هستند و هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشد رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر است؛ چرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند؛ بنابراین قابلیت اعتماد افراد بیشتر است و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

از این رو پژوهش حاضر درصدد است که به بررسی رابطه میزان دینداری با میزان اعتماد اجتماعی در شهر نجف‌آباد بپردازد. نجف‌آباد یک از شهرهای مذهبی و قدیمی استان اصفهان است. جمعیت آن نسبتاً همگون و فاقد تنوعات چشمگیر قومی، زبانی و مذهبی است و در عین حال، از نظر بسیاری از عناصر فرهنگی، در زمره شهرهای سنتی و مذهبی ایران قلمداد می‌شود.

با توجه به ابعاد مختلف اهمیت موضوع اعتماد اجتماعی و تأثیر آن در ابعاد متفاوت زندگی اجتماعی، مقاله حاضر به عنوان یک مطالعه مقدماتی و میدانی و براساس یک نمونه معرف از شهروندان نجف‌آبادی، به بررسی و تحلیل رابطه میزان دینداری با اعتماد اجتماعی پرداخته است. در ادامه این مقاله، ابتدا دیدگاه‌های مطرح درباره رابطه میزان دینداری با میزان اعتماد اجتماعی در قالب ملاحظات نظری مقاله و همچنین برخی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بررسی می‌شود. سپس روش و ابزار تحقیق به

اختصار معرفی و به دنبال آن یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود. در انتها، مقاله با نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد.

تحقیقات پیشین

انعام (۱۳۸۱) در تحقیقی که با عنوان «بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاهای نمونه شهرستان شهریار» انجام داد به این نتیجه رسید که بین دین اجتماعی و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج تحقیق کتابی و دیگران (۱۳۸۳) با عنوان «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی، فرهنگی» که در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام شد بین میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان و دینداری آنان رابطه معنی‌داری وجود داشت.

پناهی و شایگان (۱۳۸۶) تحقیقی تحت عنوان «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. همچنین میزان دینداری پاسخگویان بر اعتماد سیاسی آنها تأثیر داشته است.

نتایج تحقیق افشانی و دیگران (۱۳۸۸) با عنوان «اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل» حاکی از رابطه مستقیم میزان دینداری با میزان افزایش اعتماد اجتماعی بود. بر اساس نتایج این تحقیق، آموزه‌های دینی می‌تواند با تقویت مفاهیمی نظیر صداقت، خوش‌بینی، عدم تظاهر و... زمینه اعتماد افراد به یکدیگر را فراهم آورد.

نتایج پژوهش محسنی تبریزی و شیرعلی (۱۳۸۸) با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: مورد پژوهی دانشگاه‌های کشور آلمان»

نشان داد که وضعیت دینداری دانشجویان یکی از عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی آنها می‌باشد.

بر اساس نتایج تحقیق گریلی، در کشورهایی که میزان دینداری پایین است میزان سرمایه اجتماعی و بویژه مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد (Greeley, 1997).

اسلانر بر اساس مطالعه‌ای بر روی داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی^۱ به این نتیجه رسیده است که رفتارهای اخلاقی بیشتر به ارزش‌های اخلاقی و اعتماد اجتماعی بستگی دارد (Uslaner, 1999: 2).

سیالا و دیگران تحقیقی با عنوان «تأثیر وابستگی مذهبی بر اعتماد در چارچوب تجارت الکترونیک» انجام دادند. هدف این تحقیق بررسی میزان اعتماد اجتماعی مسیحیان و مسلمانان نسبت به خرید از کتاب‌فروشی‌های مذهبی اینترنتی بود. از جمله نتایج تحقیق مزبور این بود که مسلمانان به کتاب‌فروشی‌های اینترنتی مسلمانان بیشتر اعتماد داشتند تا دیگر کتاب‌فروشی‌های اینترنتی، اما مسیحیان بر عکس مسلمانان نسبت به خرید اینترنتی از کتاب‌فروشی‌های مذاهب دیگر اعتماد بیشتری داشتند (Siala et al. 2004).

جوهانسون و دیگران نیز تحقیقی با عنوان «اعتماد و مذهب: شواهد تجربی از مناطق روستایی در بنگلادش» انجام دادند. جامعه آماری این تحقیق دو گروه از پیروان مذهبی این مناطق یعنی مسلمانان و هندوها بودند که یکی در اکثریت (مسلمان) و دیگری در اقلیت (هندوها) بودند. از نتایج این تحقیق این بود که هر دو گروه از پیروان مذهبی بیشتر به هم‌مذهبی‌های خود اعتماد داشتند یعنی مسلمانان به مسلمانان و هندوها به هندوها (Johansson et al. 2009).

در جمع‌بندی مطالعات انجام شده باید گفت: تحقیقات مختلف نشان داده که بین مذهب، دینداری و اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد به این صورت که هرچه

میزان دینداری در بین افراد بیشتر باشد اعتماد افراد در درون خانواده و گروه‌های کوچک زیاد شده و سبب می‌شود که اعتماد از حوزه شخصی به سطح وسیع‌تر، یعنی جامعه توسعه پیدا کند. هرچه در روابط شخصی بین اعضای جامعه، مذهب جایگاه بالاتری داشته باشد؛ سبب می‌شود که اعتماد اجتماعی هم بین افراد جامعه بالاتر باشد (Collins 2002; Shield 2004).

ملاحظات نظری

به نظر می‌رسد با توجه به ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع، تنوع رویکردها و در هم تنیدگی سطوح خرد و کلان اعتماد، نمی‌توان طبقه‌بندی مطمئنی از انواع اعتماد ارائه داد. این طبقه‌بندی‌ها در برخی از منابع چهره مغشوشی دارند به طوری که نمی‌توان مرز مشخصی بین آن‌ها ترسیم کرد. انواعی که در منابع مختلف برای اعتماد مشخص شده عبارتند از: اعتماد بنیادی، اعتماد میان‌فردی یا بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی یا مدنی و اعتماد به محیط.

اعتماد بنیادی: نوعی از اعتماد است که در رویکرد روانشناختی به اعتماد از سوی اریکسون^۱ مطرح شده است. منظور اریکسون از اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد. نگرشی که اعمال و رفتار ما را متأثر می‌سازد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا قابل اعتماد بوده و دارای ثبات و استمرار هستند. اریکسون استدلال می‌کند که این نوع از اعتماد، محصول فرایندهای دوره نوزادی است، «به این ترتیب که اگر دیگران نیازهای اصلی مادی و عاطفی نوزاد را تأمین کنند، حس اعتماد کودک بیشتر می‌شود اما عدم تأمین این نیاز، سبب می‌شود تا نوعی نگرش بی‌اعتمادی نسبت به جهان، به ویژه در روابط شخصی به وجود آید» (Gerald, 1992).

100: 2005). این بُعد از اعتماد به دلیل ماهیت فردی آن، جزء ابعاد اعتماد اجتماعی به حساب نمی‌آید.

اعتماد میان فردی: این نوع از اعتماد در روابط چهره به چهره جای می‌گیرد. ارتباطی که در آن حداقلی از کنش‌گران یعنی دو نفر حضور دارند. زتومکا، در توضیح این نوع اعتماد اظهار می‌دارد «باریک‌ترین شعاع اعتماد در بین اعضای خانواده خودمان است که فضایی مملو از صمیمیت و نزدیکی بر آن حاکم است. به این ترتیب اعتماد به افرادی است که مشخصاً آن‌ها را به اسم می‌شناسیم، رابطه چهره به چهره با آنان داریم مانند: دوستانمان، همسایه‌ها، شرکای تجاری و همکاران. این نوع از اعتماد، صمیمیت و نزدیکی قابل توجهی را می‌طلبد» (Sztompka, 1999: 42). اعتماد میان فردی نوع غالب اعتماد در جوامع سنتی است. جوامعی که جمعیت اندک آن در محیط جغرافیایی محدودی ساکن هستند؛ ارتباط چندانی با جهان خارج از آن محیط ندارند؛ شبکه‌های حمل و نقل گسترش نیافته است و از وسایل ارتباط جمعی استفاده نمی‌شود و میزان آموزش و سواد پایین است.

اعتماد تعمیم‌یافته یا عام: این نوع اعتماد از روابط چهره به چهره فراتر رفته و در سطح گسترده‌تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد. این نوع از اعتماد، متوجه غریبه‌هاست و صورتی عام دارد (Stone, 2001: 26). «زتومکا» که بر مبنای ماهیت امین به نوع‌شناسی اعتماد پرداخته است، برای این نوع از اعتماد، عوامل عام را به عنوان امین در نظر گرفته است. عواملی که به صورت متکثر، در ویژگی‌هایی اشتراک دارند. به این معنی که هدف اعتماد یا جهت‌گیری اعتماد، ممکن است معطوف به جنسیت (من به زن‌ها اعتماد دارم، اما به مردها اعتماد ندارم) سن (من به افراد میانسال اعتماد دارم و به افراد جوان اعتماد ندارم) یا نژاد (من به افراد سفید اعتماد دارم و به سیاهپوست‌ها اعتماد ندارم) یا قومیت (من به ترک‌ها اعتماد دارم و به فرانسوی‌ها اعتماد ندارم) و یا مذهب (من به مسیحی‌ها اعتماد دارم ولی به مسلمان‌ها اعتماد ندارم) باشد (Sztompka,).

42: 1999). اعتماد عام محصول ضرورت‌هایی است که از تحول جامعه سنتی به جامعه مدرن ناشی می‌شود. در جریان این تحول، سطح روابط افراد از چهره به چهره فراتر می‌رود؛ افراد بیگانه در پیرامون آن‌ها بیشتر و روابط خویشی و قومی سست‌تر می‌شود؛ جامعه حالت یک شکلی و واحد بودن خود را از دست می‌دهد به طوری که افراد از گروه‌ها و نژادهای مختلف در سطحی گسترده‌تر از روابط خویشی با یکدیگر برخورد می‌کنند.

اعتماد نهادی: که با نام‌های اعتماد به نظام یا سیستم و اعتماد رسمی نیز از آن یاد می‌شود. در این نوع از اعتماد، امین دیگر صورت شخصی ندارد و اعتماد متوجه ساختارهای غیرشخصی است. البته این ساختارها در سطح خرد از افراد مشخصی شکل گرفته‌اند اما این افراد با توجه به ساختاری که در آن قرار گرفته‌اند، تعریف می‌شوند. استون از این نوع اعتماد با دو عنوان اعتماد مدنی و اعتماد نهادی یاد می‌کند؛ اعتماد نهادی را مربوط به نهادهای رسمی دولتی دانسته است و اعتماد مدنی را به نظام‌های تخصصی مربوط می‌کند. گیدنز از نظریه‌پردازانی است که بیشتر این نوع از اعتماد را مورد توجه قرار داده است. گیدنز، از این نوع اعتماد با عنوان اعتماد به نظام‌های انتزاعی یاد می‌کند. منظور گیدنز از نظام‌های انتزاعی، به طور عمده نهادهای تخصصی است که به عنوان یکی از مکانیسم‌های از جا کننده، از جنبه‌های مهم نیروی مدرنیته محسوب می‌شوند. از این رو گیدنز، این نوع از اعتماد را مختص جوامع مدرن می‌داند. اصطلاح اعتماد به نظام‌های انتزاعی به مفهوم اعتماد مدنی نزدیک است، با این حال گیدنز تمایزی بین نهادهای رسمی و غیررسمی قائل نمی‌شود و به طور کلی، از نظام‌های تخصصی سخن می‌گوید. هریس مک نایت نیز در مباحث خود به این نوع از اعتماد اشاره کرده است. اعتماد به نظام در واقع اعتماد به این امر است که ساختارهای غیرشخصی شایسته و مناسب در جای خود این امکان را برای شخص فراهم می‌آورند که او آینده موفقیت‌آمیزی را پیش‌بینی کند. اما مک‌نایت نمودهای متفاوتی در مقایسه با استون و

گیدنز برای این نوع از اعتماد در نظر می‌گیرد. به زعم وی، ساختارهای غیرشخصی عبارتند از آئین نامه‌ها، وثیقه‌ها، ضمانت نامه‌ها و قراردادها (بالاخانی، ۱۳۸۴: ۳۲).

قابلیت اعتماد به محیط: این بُعد از اعتماد کمتر مورد توجه محققین و صاحب‌نظران قرار گرفته است. قابلیت اعتماد به محیط بیانگر میزان ریسک‌پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی می‌باشد. این که فرد تا چه حد در امور مختلف ریسک را می‌پذیرد، دیگران را ضمانت می‌کند، حرف‌های دیگران را صادقانه می‌پندارد، در انتخاب دوستان جدید احساس نگرانی نمی‌کند نموده‌ای از اعتماد به محیط است.

جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی متعددی نظیر وبر^۱، تونیس^۲، اوانز^۳، گامبتا^۴، فوکویاما^۵، زتومپکا^۶، به شکل‌های مختلف بر این نکته صحه گذاشته‌اند که در میان عناصری که در جامعه، اعتماد اجتماعی را به وجود می‌آورند و یا آن را تقویت می‌کنند، نقش دین و مذهب حائز اهمیت است. ولی از آنجایی که فرضیات پژوهش حاضر مبتنی بر نظریات گیدنز و دورکیم طرح شده است این دو نظریه به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

به عقیده گیدنز، کیهان‌شناسی‌های مذهبی، تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی اجتماعی و نیز جهان طبیعی به دست می‌دهند که برای مؤمنان محیطی از امنیت و اعتماد ارائه می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۱۲۲). گیدنز معتقد است دین می‌تواند پیوندهای اخلاقی و عملی در ارتباط با زندگی شخصی، اجتماعی و جهان طبیعی ایجاد کند و به ایجاد یک محیط امن برای معتقدان کمک کند و موجبات آسایش خاطر و هدایت مؤمنان را فراهم سازد. دین‌ها می‌توانند میانجی سازمان‌بخش اعتماد باشند. گیدنز در این خصوص که باورداشت‌های مذهبی چگونه زمینه اعتماد را فراهم می‌کنند، می‌نویسد: باورداشت‌های

1 - M. Weber

2 - F. Tonnies

3 - T. D. Evans

4 - D. Gambetta

5 - F. Fukuyama

6 - Sztompka

مذهبی مهم‌ترین کارشان این است که معمولاً به تجربه رویدادها و موقعیت‌ها، اعتماد تزریق می‌کنند و چارچوبی را فراهم می‌سازند که در آن، این رویدادها و موقعیت‌ها را می‌توان تبیین کرد و در برابر آن‌ها واکنش نشان داد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

گیدنز زمانی که به دین به عنوان زمینه‌ای برای اعتماد در جوامع پیش از مدرن اشاره کرد، تأکیدش روی این نکته بود که دین حس اعتماد به رویدادهای طبیعی را ایجاد می‌کند و بدین‌سان در تعلیق زمان و مکان نقش دارد، ممکن است مذهب بر مبنای شخصیت‌ها و نیروهایی که بازنمود می‌کند از جهت روانشناختی با مکانیسم‌های اعتماد ارتباط داشته باشد، به شیوه‌ای که این نیروها مستقیماً بیان‌کننده اعتماد – یا نبود اعتماد – به والدین باشند (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۲۱).

بر اساس نظریه مناسک، دورکیم^۱ معتقد است افراد در غلیان ناشی از اعیاد و جشن‌های اجتماعی از طریق اعمال مشترک و کردارهایی همانند پای‌کوبان و غریوکنان به هم نزدیک شده و نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند و این همدلی و نزدیکی، اطمینان و اعتماد متقابل را ایجاد می‌کند. به اعتقاد او هر قدر به حجم جوامع افزوده می‌شود، وجدان جمعی گسترده‌تر و انتزاعی‌تر شده و حوزه اخلاقی فرد از سطح محلی و درون‌گروهی به سطح عام و برون‌گروهی توسعه می‌یابد و از تعداد غریبه‌هایی که نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد کاسته می‌شود و از این طریق راه برای همکاری وسیع در سطح ملی هموار می‌شود. دورکیم معتقد است برگزارکردن مراسم و مناسک‌های جمعی (جشن‌ها، اعیاد و مراسم‌های مذهبی) سبب تعامل میان مردم می‌شود که همین تعامل بین آن‌ها، ایجاد اعتماد می‌کند (پنجه‌بند، ۱۳۸۵: ۴۴).

دورکیم در مناسک همان عناصری را مشاهده نمود که در گروه وجود داشت که تعامل و عاطفه از مهم‌ترین این عناصر می‌باشد. اگر از طریق مناسک، پیوندهای اجتماعی ایجاد و تقویت شود به این دلیل است که آن‌ها با این احساس که مقدس و با حرمت

هستند انجام می‌شوند و همه کنشگران در کنار هم به شکل یکسان این احساس و عمل را تجربه می‌کنند. آن‌ها در این غلیان احساسی، نسبت به هم نزدیک شده و نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند و جزئی از نیروی گروه می‌شوند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل «ما» شود. در جوامع مدرن مناسک جمعی به مراسم ملی و مذهبی که جمعیت انبوهی را در بر می‌گیرد محدود نمی‌شود، بلکه خانواده‌ها و گروه‌های دوستان نیز دارای مناسک هستند، شام خوردن زیر نور شمع و دادن گل سرخ در سالگرد ازدواج، بوسیدن اعضای خانواده هنگام ترک خانه و بازگشت به آن، خواندن تولدت مبارک و دادن کیک برای جشن تولد اعضای خانواده، دور هم جمع شدن در روزهای تعطیل، بیرون رفتن برای شام در جمعه‌شب‌ها و... از جمله مناسکی هستند که در میان خانواده و گروه‌های دوستی وجود دارد. هر کس می‌تواند درباره خانواده خودشان و مناسکی که در آن وجود دارد فکر کند، اهمیت این‌ها برای احساس یگانگی گروهی، وقتی که یکی از اعضا در اجرای مناسک شکست بخورد، به وسیله عکس‌العمل دیگر اعضا آشکار می‌شود. فکر کنید اگر کسی از شما بگوید در تعطیلی آینده حضور نخواهد داشت، چگونه بقیه اعضای خانواده عکس‌العمل نشان خواهند داد؟ (Collins, 1985: 119).

دورکیم می‌گوید که اگر خودمان به خودمان واگذار شویم، این آگاهی فردی ما نسبت به دیگران مسدود می‌ماند و افکار جدای ما نمی‌تواند با یکدیگر ارتباط برقرار کند، مگر این که از خودشان بیرون بیایند و به این ترتیب با شکل‌گیری وضعیت‌های فکری مشترک و آگاهی و عاطفه جمعی، احساسات مثبت فرد نسبت به کسانی که با او حشر و نشر دارند جهت می‌یابد که این خود زمینه‌ساز دوستی و صمیمیت‌ها و تقویت حسن ظن فرد نسبت به آن‌ها می‌شود. دورکیم معتقد است وقتی جمعیت زیاد شود، مردم برای انجام بهتر کارها و برطرف کردن نیازهای متنوع و متعددشان مجبورند با همدیگر همکاری کنند که این منجر به تقسیم کار بین آن‌ها می‌شود؛ این همکاری‌ها و ازدیاد جمعیت، باعث می‌شود تعاملات اجتماعی زیاد شود که این‌ها خود باعث می‌شود آن‌ها با هم احساس همدلی و یکی‌بودن کنند و در نهایت مردم به همدیگر اعتماد کنند. از جهت دیگر دورکیم

می‌گوید برگزار کردن مراسم و مناسک‌های جمعی، (جشن‌ها، اعیاد و مراسم‌های مذهبی) سبب تعامل میان مردم می‌شود که همین تعامل، بین آن‌ها ایجاد اعتماد می‌کند (پنجه‌بند، ۱۳۸۵: ۴۴).

در یک جمع‌بندی کلی باید اذعان کرد دینداری و شرکت در مراسم و آیین‌های مذهبی می‌تواند موجب ترویج و استحکام عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی شود که تشکیل اعتماد اجتماعی را ترغیب می‌کند. بسیاری از اصول مانند درستکاری، صداقت، کمک و محبت به دیگران در زمره هنجارهای مهم دینی است. همه این خصوصیات، می‌تواند زمینه تقویت اعتماد اجتماعی را فراهم نماید.

تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی چند است که یکی از آن عوامل، دین و فرهنگ دینی است. به نظر می‌رسد که دین به عنوان ارزشی متعالی با کارکردهایی چون مشارکت، صداقت، تعهد، انضباط‌بخشی و ... سازوکارهایی را موجب می‌شود که در قالب آن‌ها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و پایه‌های تحکیم توسعه را فراهم می‌نماید. بنابراین، رابطه دین و اعتماد اجتماعی نیز مسأله‌ای است که به دلیل وجود چشم‌انداز دینی توسعه، در جامعه کنونی ایران حایز اهمیت است. در تحلیل جامعه‌شناختی موضوع، گفتنی است که نقش آموزه‌های دینی، نقشی دوجانبه است. کسانی که به طور شخصی یا اجتماعی با آموزه‌های دینی ارتباط دارند، هم مورد اعتماد هستند و هم اعتماد بیشتری به دیگران دارند (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). بر این اساس دین می‌تواند در انسجام‌بخشی، تحکیم عواطف مشترک، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا نماید.

بر اساس مباحث نظری مطرح شده سؤال اساسی تحقیق حاضر این است که چه رابطه‌ای بین میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی وجود دارد؟ آیا همان گونه که بسیاری از صاحب‌نظران مدعی هستند رابطه مستقیمی بین این دو وجود دارد؟ تحقیق

حاضر درصدد است به بررسی رابطه میزان دینداری با میزان اعتماد اجتماعی در شهر نجف آباد به عنوان یک از شهرهای مذهبی کشور بپردازد.

فرضیات تحقیق

تحقیق حاضر دارای یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی است.
فرضیه اصلی: بین میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
فرضیات فرعی:

- بین میزان دینداری و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و اعتماد تعمیم یافته رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و اعتماد نهادی رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و اعتماد به محیط رابطه وجود دارد.

روش و داده‌های مطالعه

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی^۱، به لحاظ معیار زمان، مقطعی؛ به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر نجف آباد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که بر اساس برآوردهای جمعیتی از سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد کل آن‌ها ۱۲۰۴۷۶ بوده است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام شد تا پراکندگی صفت مورد مطالعه (میزان اعتماد اجتماعی) محاسبه شود و سپس با استفاده از فرمول کوکران^۲ با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه

1 - Survey

2 - Cochran

۲۴۴ نفر مشخص شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ بوده است.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بوده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار^۲ و پایایی^۳ آن در مراحل مقدماتی تحقیق، - برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز - در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. به همین منظور، ابتدا سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند یا از گویه‌های تحقیق‌های پیشین استخراج شوند و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها از نظرات محققین و استادان دیگر کمک گرفته شود. سپس یک بار دیگر پرسشنامه تدوین شده به استادان و متخصصان نشان داده شد و از نظرات آنها برای تصحیح پرسشنامه استفاده شد. بنابراین اعتبار تحقیق حاضر از نوع محتوایی^۴ است.

تعریف نظری و عملیاتی اعتماد اجتماعی:

در این تحقیق، منظور از اعتماد اجتماعی، مجموعه‌ای از انتظارات است که در فرایند اجتماعی‌شدن یاد گرفته شده و افراد آن انتظارات را نسبت به افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که در جامعه هستند، دارند (افشانی و دیگران، ۱۳۸۸).

در این تحقیق برای اعتماد اجتماعی چهار بُعد در نظر گرفته شد: اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی و اعتماد به محیط. در این پژوهش هر کدام از این ابعاد به مفهوم زیر به کار رفته است:

اعتماد بین‌شخصی، که نشان‌دهنده میزان اعتماد به افراد فامیل، دوست، همسایه و نظایر آن است. برای سنجش این بعد از اعتماد، مواردی نظیر قرض‌دادن وسایل به

1 - Multistage Cluster

2 - Validity

3 - Reliability

4 - Content Validity

دوستان بدون نگرانی، روراست بودن با دوستان، حمایت فامیل از فرد در مواقع لزوم، اعتماد به نزدیکان و قرض دادن وسایل منزل به همسایه‌ها پرسیده شد.

اعتماد تعمیم‌یافته، داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه (غریبه‌ها) جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های سنی، جنسی، قومی و قبیله‌ای می‌باشد. برای سنجش این بعد، از پاسخگو پرسیده شد شما هر کدام از افراد یا گروه‌های مختلف نظیر معلمان، روحانیون، کارگران، پزشکان، افراد مجرد، افراد متأهل و لرها را چقدر قابل اعتماد می‌دانید؟

اعتماد نهادی، نشان‌دهنده میزان اعتماد به نهادها و مسئولین اداره کشور است. برای سنجش این بعد از اعتماد اجتماعی از پاسخگو خواسته شد مشخص کند مدیران کشور در سطوح مختلف و به طور کلی، هر کدام از ویژگی‌هایی نظیر صداقت و درستکاری، عمل به وعده‌ها، رسیدگی بیشتر به پولدارها، احساس وظیفه و دلسوزی برای مردم، تدبیر و دوراندیشی برای حل مشکلات مردم را تا چه اندازه دارا هستند؟

قابلیت اعتماد به محیط بیانگر میزان ریسک‌پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی می‌باشد. برای سنجش این بعد، مسائلی از قبیل ضمانت برای وام دیگران، برگرداندن کیف پول پیدا شده به صاحب اصلی‌اش، افزایش دورویی و ریا در جامعه، وسواس در انتخاب دوست و عدم اعتماد به قول دیگران از پاسخگو پرسیده شد. مجموع امتیاز پاسخگو از گویه‌های مختلف نشانگر میزان اعتماد اجتماعی وی است.

تعریف نظری و عملیاتی دینداری:

دینداری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت‌یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

شاخص‌سازی متغیر میزان دینداری بر اساس مدل «گلاک و استارک»^۱ انجام شده است. گلاک و استارک در کتاب ماهیت تعهد مذهبی^۲ اذعان نموده‌اند که با وجود تفاوت‌هایی در ادیان، می‌توان وجوه اشتراکی را بین آن‌ها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی، فکری. این ابعاد به طور خلاصه چنین است (برای توضیحات بیشتر مراجعه شود به حشمت‌یغمایی، ۱۳۸۰ و افشانی، ۱۳۸۵):

بُعد اعتقادی و باورهای دینی^۳ که عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان دین مورد نظر به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. در واقع باورهای دینی عبارتند از نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی می‌دهد. در این بُعد از پاسخگو سؤالاتی درباره قیامت، شیطان، حقیقت محض بودن قرآن و فرشته پرسیده شد.

اعمال دینی^۴ که خود به دو دسته مناسک^۵ و پرستش و دعا^۶ تقسیم می‌شود. بُعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخص همچون نماز، روزه و شرکت در آئین‌های مذهبی است که انتظار می‌رود پیروان هر دینی آن‌ها را به جای آورند و بعد پرستش و دعا شامل اعمال خصوصی و فردی است که فرد با رضایت خاطر و بدون اجبار انجام می‌دهد. در این بعد، میزان انجام برخی از مناسک دینی نظیر شرکت در دعای کمیل و توسل، خواندن قرآن، شرکت در نماز جماعت، پرداخت صدقه و شرکت در سوگواری‌های مذهبی مورد سؤال قرار گرفت.

1 - Glock and Stark

2 - The Nature Of Religious Commitment

3- Believers

4- Practice

5- Rituals

6- Devotion

بُعد تجربی^۱ یا عواطف دینی که عبارت از تصورات و احساساتی است که مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی و یا اقتداری متعالی است. برای سنجش این بعد از دینداری از پاسخگویان سؤال شد به مواردی نظیر توسل به ائمه، تقاضای بخشش گناهان از خدا، پذیرش توبه و امتحان الهی بودن برخی مشکلات زندگی چقدر اعتقاد دارند.

بُعد فکری یا دانش دینی^۲ که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان هر دین باید آن‌ها را بدانند و در واقع شامل کمترین شناخت از اصول، فروع، سنت‌ها و تاریخ دین است به نحوی که فرد خود را ملزم به انجام اعمال دینی دانسته یا دست کم به آن گرایش یابد. در این بُعد با طرح چند سؤال میزان اطلاعات دینی پاسخگو مورد سنجش قرار گرفت.

بُعد پیامدی^۳ یا آثار دینی که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره است، به عبارت دیگر تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره زندگی است. در این بُعد از پاسخگو خواسته شد میزان موافقت یا مخالفت خود با مواردی نظیر ضرورت رعایت حلال و حرام، پرداخت خمس در کنار مالیات، رعایت محرم و نامحرم شرعی و خرید و فروش مشروبات الکلی را مشخص نماید.

مجموع امتیاز پاسخگو از این گویه‌ها نشانگر میزان دینداری وی خواهد بود. برای سنجش پایایی متغیرهای ذکر شده از آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفا برای گویه‌های میزان دینداری برابر ۰/۸۳ و برای گویه‌های میزان اعتماد اجتماعی ۰/۷۷ بوده است که با توجه به این که میزان آلفا از ۰/۷ بیشتر می‌باشد نشان از همبستگی درونی بالای گویه‌ها و مطلوب بودن پایایی ابزار تحقیق دارد.

1- Experience

2- Religious Knowledge

3- Consequences

داده‌ها توسط نرم‌افزارهای آماری SPSS و لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای آزمون فرضیات از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و ضریب همبستگی پیرسون و برای الگوسازی مدل معادلات ساختاری، از نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های پژوهش حاضر در جدول ۱ نشان داده شده است. از مجموع ۲۴۴ پاسخگوی این تحقیق، ۴۳/۹ درصد را زنان و ۵۶/۱ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. اکثر این افراد متأهل و غیرشاغل بوده‌اند. جوان‌ترین پاسخگوی تحقیق، ۱۵ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۸۳ سال سن داشته‌اند.

جدول ۱. توزیع ویژگی‌های پاسخگویان تحقیق

جنس	درصد	وضع تأهل	درصد	وضع اشتغال	درصد
مرد	۵۶/۱	مجرد	۴۲/۲	بیکار	۶۱/۱
زن	۴۳/۹	متأهل	۵۷/۸	شاغل	۳۷/۷
سن	تحصیلات	درآمد ماهیانه خانواده (تومان)	درصد		
کمترین	۱۵	کمترین	۰	کمتر از ۲۰۰ هزار	۹/۸
بیشترین	۸۳	بیشترین	۲۲	۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار	۴۵/۵
میانگین	۳۱	میانگین	۱۲/۸	۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار	۲۹/۵
انحراف معیار	۱۲/۹	انحراف معیار	۴/۲	بیشتر از ۶۰۰ هزار	۱۳/۵

به لحاظ تحصیلی نیز طیف وسیعی از بیسواد تا دکترا در نمونه حاضر وجود داشته است و از نظر درآمدی نیز بیشترین پاسخ‌ها در گروه درآمدی ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان قرار داشته‌اند.^۱

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ابعاد دو متغیر اصلی تحقیق یعنی میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، میزان دینداری پاسخگویان در ابعاد مختلف (به جز بُعد دانشی) نسبتاً زیاد است پاسخگویان به لحاظ بُعد پیامدی بهترین وضعیت را داشته‌اند به طوری که هیچکدام از پاسخگویان در دامنه «کم» طیف قرار نگرفته‌اند. جامعه مورد مطالعه (شهر نجف‌آباد) به عنوان یکی از شهرهای مذهبی کشور شناخته می‌شود و این نتایج با یافته‌های نظری تحقیق همسویی دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر حسب میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی

متغیر	بعد	کم		متوسط		زیاد	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دینداری	عاطفی	۳	۱/۲	۳۰	۱۲/۳	۲۰۹	۸۵/۷
	پیامدی	۰	۰	۷۱	۲۹/۱	۱۶۴	۶۷/۲
	مناسکی	۲۰	۸/۲	۱۲۳	۵۰/۴	۹۹	۴۰/۶
	اعتقادی	۳	۱/۲	۴۸	۱۹/۷	۱۸۶	۷۶/۲
	دانشی(فکری)	۵۸	۲۳/۸	۱۵۳	۶۲/۷	۳۰	۱۲/۳
اعتماد اجتماعی	بین شخصی	۱۸	۷/۴	۱۸۶	۷۶/۲	۳۷	۱۵/۲
	تعمیم یافته	۳۲	۱۳/۱	۱۹۲	۷۸/۷	۲۰	۸/۲
	نهادی	۷۳	۲۹/۹	۱۵۶	۶۳/۹	۱۰	۴/۱
	اعتماد به محیط	۱۱۸	۴۸/۴	۱۱۶	۴۷/۵	۹	۳/۷

۱ - تفاضل جمع درصدها از عدد ۱۰۰ در برخی متغیرها، به دلیل وجود مقادیر گم‌شده (بدون پاسخ) است.

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان عمدتاً در حد متوسط قرار دارد به طوری که تقریباً در همه ابعاد اعتماد اجتماعی، بیشترین درصد پاسخگویان در لایه میانی طیف قرار گرفتند. به لحاظ اعتماد اجتماعی اعتماد بین‌شخصی که در واقع اعتماد به نزدیکان و بستگان را می‌سنجد بهترین وضعیت را به خود اختصاص داده است ولی ابعاد نهادی و محیط، وضعیت مطلوبی ندارند.

برای پاسخ به این سؤال که «میزان دینداری شهروندان نجف‌آبادی چقدر است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای سنجش میزان دینداری در شهر نجف‌آباد، ۲۵ گویه که مربوط به ابعاد مختلف میزان دینداری می‌شد در پرسشنامه گنجانده شد. با توجه به این که ۱۵ گویه پنج گزینه‌ای و ۱۰ گویه چهار گزینه‌ای بود کمترین امتیاز پاسخگو از مجموع گویه‌ها ۲۵ و حداکثر ۱۱۵ خواهد شد. عدد ۷۰ به عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب شد. اختلاف معنی‌دار از ۷۰ به بالا نشان‌دهنده بالاتر بودن میزان دینداری پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. همچنین اختلاف معنی‌دار از ۷۰ به پایین نشان‌دهنده پایین‌تر بودن میزان دینداری پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. خروجی آزمون t که در جدول ۳ منعکس شده است نشان داد که میانگین نمره میزان دینداری نمونه مورد بررسی برابر $83/33$ شده است. همچنین اندازه t برابر $20/119$ و سطح معنی‌داری ($P=0/000$) از $0/05$ کمتر شده است یعنی به طور معنی‌داری میانگین میزان دینداری بیشتر از ۷۰ بوده است. بنابراین در مجموع، میزان دینداری پاسخگویان بیش از حد متوسط بوده است.

جدول ۳. خروجی آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت میزان دینداری و میزان اعتماد

اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معنی‌داری
میزان دینداری	۸۳/۳۳	۹/۹۶۲	۲۰/۱۱۹	۰/۰۰۰
میزان اعتماد اجتماعی	۳۲/۶۱	۵/۱۶۸	۱/۱۴۹	۰/۲۵۲

همچنین برای پاسخ به این سؤال که «میزان اعتماد اجتماعی شهروندان نجف‌آبادی چقدر است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی در شهر نجف‌آباد، ۱۲ گویه که مربوط به ابعاد میزان اعتماد اجتماعی می‌شد در پرسشنامه گنجانده شد. با توجه به این که ۶ گویه پنج گزینه‌ای و ۶ گویه چهار گزینه‌ای بود کمترین امتیاز پاسخگو از مجموع گویه‌ها ۱۲ و حداکثر ۵۴ خواهد شد. عدد ۳۳ به عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب شد اختلاف معنی‌دار از ۳۳ به بالا یا به پایین نشان‌دهنده بالاتر بودن یا پایین‌تر بودن میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد.

خروجی آزمون t که در جدول ۳ گزارش شده است نشان داد که میانگین نمره میزان اعتماد اجتماعی در نمونه تحقیق، برابر ۳۲/۶۱ شده است. همچنین اندازه t برابر ۱/۱۴۹ و سطح معنی‌داری ($P=۰/۲۵۲$) از ۰/۰۵ بیشتر شده است، یعنی تفاوت معنی‌داری از متوسط ندارد.

برای بررسی رابطه میزان دینداری با ابعاد مختلف میزان اعتماد اجتماعی با توجه به این که همه متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۴. خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه میزان دینداری با ابعاد مختلف میزان

اعتماد اجتماعی

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	بعد
۰/۰۰۰	۰/۲۴۹	اعتماد نهادی
۰/۰۲۲	۰/۱۵۴	اعتماد بین شخصی
۰/۰۰۵	۰/۱۸۷	اعتماد تعمیم‌یافته
۰/۳۰۴	۰/۰۶۹	اعتماد به محیط

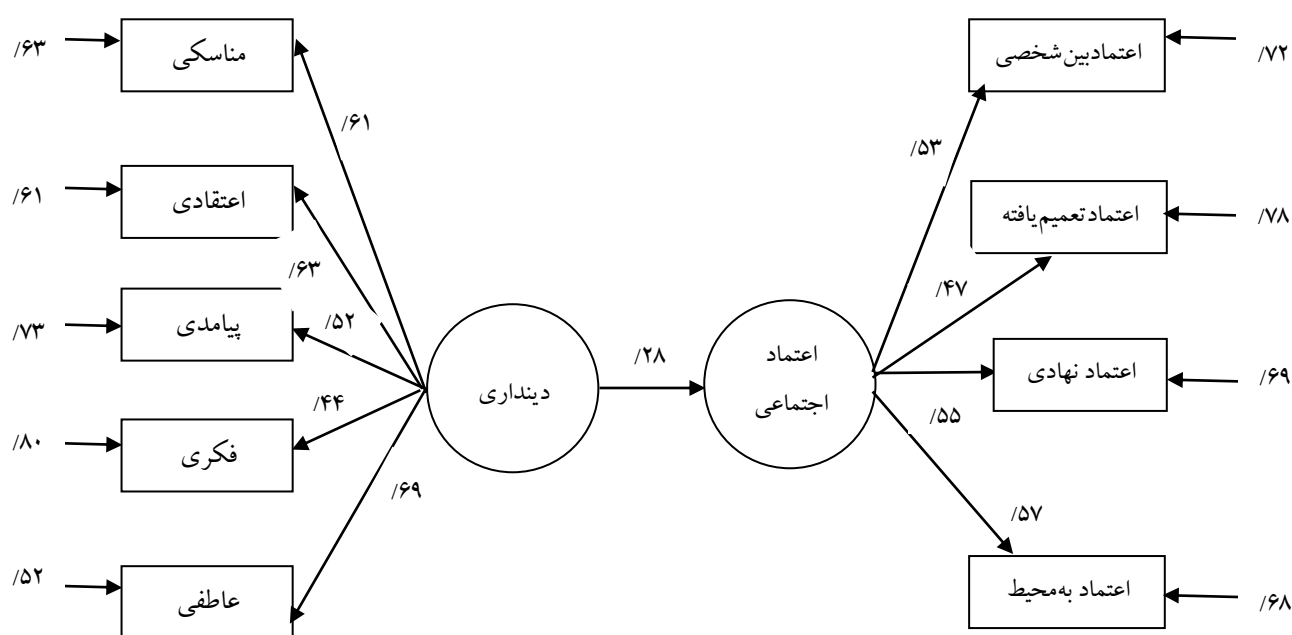
بر اساس اطلاعات جدول ۴، بین میزان دینداری و ابعاد مختلف میزان اعتماد اجتماعی (به جز اعتماد به محیط) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه دینداری افزایش پیدا کند اعتماد نهادی، اعتماد بین‌شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته نیز افزایش پیدا می‌کند. در بین ابعاد اعتماد اجتماعی، میزان دینداری قوی‌ترین همبستگی را با اعتماد نهادی و ضعیف‌ترین همبستگی را با اعتماد به محیط داشته است. بنابراین از چهار فرضیه فرعی این تحقیق، ۳ فرضیه تأیید شد و یک فرضیه نیز تأیید نشد.

الگوسازی معادلات ساختاری^۱

الگوسازی معادلات ساختاری به محقق کمک می‌کند تا به تحلیل علی متغیرهای مکنون و متغیرهای مشاهده شده به طور همزمان بپردازد (Bollen Kenneth and Scott, 1993). لازم به توضیح است که دو متغیر اصلی این تحقیق یعنی میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی از نوع متغیرهای مکنون هستند.

نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار ۱ منعکس شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون دینداری، بُعد عاطفی و بُعد اعتقادی بوده‌اند ضمن این‌که مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون اعتماد اجتماعی، اعتماد به محیط و اعتماد نهادی بوده است.

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود میزان تأثیر دینداری بر اعتماد اجتماعی، ۰/۲۸ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر است یعنی افزایش دینداری باعث افزایش اعتماد اجتماعی می‌شود.



Chi-square = ۷۸/۱۴

df = ۲۶

P-Value = ۰/۰۰۰۰۰

RMSEA = ۰/۰۹۱

نمودار ۱: مدل معادله ساختاری، تأثیر میزان دینداری بر میزان اعتماد اجتماعی

شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. یکی از این شاخص‌ها، مربع کای^۱ است. مربع کای اگر معنی‌دار باشد بدین معنی است که مدل برای داده‌های جامعه، قابل قبول نیست (در اینجا مربع کای معنی‌دار شده است) ولی مربع کای تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸۱). لذا از شاخص مربع کای نسبی (که از تقسیم مربع کای بر درجه آزادی بدست می‌آید) استفاده شده است. شاخص مربع کای نسبی برابر ۳/۰۰۵ شده که مطلوب به حساب می‌آید. شاخص دیگری با عنوان شاخص نیکویی برازش^۲ نیز محاسبه شده است. دامنه تغییرات شاخص مذکور بین صفر و یک است، هر چه مقدار محاسبه شده به یک نزدیکتر باشد بیانگر برازش بهتر مدل است. در مدل حاضر، GFI معادل ۰/۹۳ به دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت

1- Chi-square

2- Goodness of Fit Index

که مدل دارای برازش خوبی است. شاخص دیگر، مقیاس نیکویی برازش تعدیل شده^۱ است. این شاخص تا حدی نسبت به حجم نمونه و درجات آزادی مدل، معیار GFI را تعدیل می‌کند. مقدار AGFI بین صفر و یک است و مقادیر نزدیک به یک، نشان‌دهنده نیکویی برازش مدل است. در تحقیق حاضر میزان AGFI معادل ۰/۸۸ شده است که این شاخص نیز برازش مدل را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه میزان دینداری با میزان اعتماد اجتماعی در شهر نجف‌آباد انجام شد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. در برخی از تحقیقات دیگر نیز این نتیجه حاصل شده است (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶؛ افشانی و دیگران، ۱۳۸۸؛ محسنی تبریزی و شیرعلی، ۱۳۸۸؛ کتابی و دیگران، ۱۳۸۳). بودون، استدمن و پالمر، شیلد، کالینز و ساسیس معتقدند که دین (مذهب) باعث افزایش اعتماد اجتماعی می‌شود (Shield 2002, Collins 2004, Sosis 2005). در این راستا آنچنان که مایرز^۲ بیان می‌دارد «دین می‌تواند به گونه‌ای محسوس به بهبود کیفیت روابط خانوادگی، کمک نماید و به عنوان عاملی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی، گام بردارد» (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۱۲). همچنین کاندلند هم از این امر اغماض نکرده که دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هموعان، وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی، می‌تواند مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد شود (Candland, 2000: 129-131). همچنین اینگلهارت مبتنی بر یافته‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها معتقد است که مذهب نقش عمده و تأثیری بسیار بیشتر از درجه توسعه اقتصادی در میزان

1- Adjusted Goodness of Fit Index

2 - Mayers

اعتماد در جامعه دارد (انگلهارت، ۱۳۸۵). دین اسلام نیز تأکید زیادی بر تقویت اعتماد اجتماعی در جوامع مسلمان دارد. دین اسلام از طریق سازوکارهایی اعتماد اجتماعی را ایجاد و تقویت می‌کند. توجه و اهتمام بیشتر و ترویج مؤلفه‌های اخلاقی تأکید شده در دین اسلام مانند، عهد و پیمان، ادای امانت، راستی و صداقت، احترام به حقوق دیگران و تقوا و موارد مشابه دیگر می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد اجتماعی در جوامع اسلامی شوند (فصیحی، ۱۳۸۶: ۸۷).

نتیجه این تحقیق، ضمن مهم و ارزشمند بودن، پیام‌ها و پیامدهای مهمی را در بردارد. نکته درخور توجه در این تحقیق متوسط‌بودن میزان اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه است. باید توجه داشت که نباید به محض مشاهده متوسط‌بودن میزان اعتماد در جامعه مورد مطالعه، به وجود رابطه دو متغیر اصلی (دینداری و اعتماد اجتماعی) تردید کرد بلکه باید علت را در جای دیگر جستجو نمود. در این ارتباط ذکر این نکته لازم است که معنادار بودن رابطه دینداری و اعتماد یک چیز و بالا نبودن اعتماد در جامعه دینی ایران و به تبع آن شهر نجف‌آباد نکته‌ای دیگر است. ادعای نخست بیانگر آن است که هر چه افراد دیندارتر باشند، احتمال اعتماد آن‌ها به دیگران بیشتر است و ادعای دوم نیز حکایت از آن دارد که ما نتوانسته‌ایم از این پتانسیل (دینداری مردم) در جهت گسترش اعتماد، استفاده لازم را به عمل آوریم و لذا اعتماد افراد در سطح بالایی ارزیابی نمی‌شود. برای رفع این تناقض باید به شبکه روابط، نگاه جدیدی افکنده شود؛ در یک محیط کوچک و در یک رابطه محدود، ظاهراً اعتماد بالاست اما با گسترش روابط، گویا اعتماد سیر نزولی پیدا می‌کند. هنگامی که فرد، وارد تعاملات گسترده می‌شود، از آن جا که گزینش طرف تعامل، ملاک‌های متعددی دارد و برای وی امکان کنترل بر همه جوانب این ملاک‌ها وجود ندارد پس با افراد متعدد و گوناگونی مواجه می‌شود که ممکن است به همه آن‌ها اعتماد کامل نداشته باشد.

در نتیجه بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان ادعا نمود که دینداری بر میزان اعتماد تأثیر دارد اما عدم تحقق حد بالایی از اعتماد در جامعه دیندار مورد بررسی را باید از یک

طرف به متغیرهای دیگری مانند تحصیلات، میزان گسترش روابط اجتماعی، تجربه‌های فردی، خلف وعده مسئولین، اثر رسانه‌های جمعی، ویژگی‌های دوران گذار و... ربط داد از طرف دیگر، عدم استفاده از این پتانسیل قوی یعنی دین برای افزایش اعتماد نیز عاملی بوده که باعث شده است در عین بالابودن دینداری و مستقیم‌بودن رابطه‌اش با اعتماد اجتماعی، شاهد میزان بالایی از اعتماد اجتماعی در جامعه نباشیم.

از این رو لازم است به نقش حساس و مؤثر روحانیون و مبلغین دینی توجه ویژه‌ای نشان داده شود. از آنجایی که رفتار و اعمال این افراد با دقت بیشتری نظاره می‌شود ضروری است آن‌ها هم به این نکته دقت خاصی داشته باشند. به عبارت روشن‌تر، از معلم درس دینی در مقطع ابتدایی تا مدرسین دروس معارف و اخلاق اسلامی در دانشگاه‌ها، از امام جماعت مسجد محل تا ائمه جمعه و جماعات و در یک کلام، متولیان و مبلغین حوزه دین، باید در نظر داشته باشند که هر چه آن‌ها صمیمی‌تر، خوش‌برخوردتر، صادق‌تر، با روابط عمومی قوی‌تر، انعطاف‌پذیرتر و ... باشند اقشار اجتماعی مختلف به آن‌ها نزدیک‌تر شده و ضمن جذب بیشتر به دین و متولیان دینی، زمینه مهیاتری برای افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه به وجود خواهند آورد. ارتباط هر چه بیشتر مردم عادی با متولیان و مربیان حوزه دین در صورت دارابودن ویژگی‌های فوق، باعث کاهش و حتی از بین رفتن بی‌اعتمادی در جامعه خواهد شد و شادی و نشاط اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

در صورت یکسان بودن شرایط قاعدتاً به بالابودن اعتماد در بین افراد دیندارتر دست خواهیم یافت. از این رو پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، چنین متغیرهایی مورد توجه و کنترل قرار گیرند. این متغیرها هم در سطح خرد و هم در سطح کلان (کشور) اهمیت دارند و بایستی در نظر گرفته شوند. شبکه روابط تا آن جا اهمیت دارد که حتی می‌تواند ضعف دینداری افراد را برای کسب اعتماد، جبران نماید. اما ترکیب این دو متغیر قاعدتاً تاثیر بیشتری بر افزایش اعتماد دارد. این نکته را هم باید افزود که به دلیل تفسیربردار

بودن دین، احتمالاً نه نوع و میزان دینداری بلکه تفسیر فرد از دین در نحوه نگاه او به دیگران و در نتیجه اعتماد داشتن یا نداشتن به آنها تأثیر به سزایی داشته باشد، پس بایستی در ارائه تفسیری روشن و نو از دین به دینداران برای داشتن جامعه‌ای با اعتماد بالا تلاش کرد.

از دیگر سو اقدامات معقول و منطقی برای افزایش اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی و مشارکت مدنی و اجتماعی و نیز افزایش اعتماد عمومی به نهاد مذهب و روحانیت ضروری به نظر می‌رسد که متأسفانه بسیاری از مسئولین و حتی خود روحانیت چشم خود را به این واقعیات بسته‌اند. نباید نقش تاریخی رهبران مذهبی در هدایت جنبش‌های ملی و نیز استفاده از فاکتور مذهب برای تقویت همبستگی ملی و اجتماعی در برهه‌های تاریخی را از یاد برد. نباید از یاد برد که یکی از کارکردهای مثبت اماکن و مراسم مذهبی گردهم آوردن قشرهای گوناگون مردم به دور همدیگر و به تبع آن درست‌شدن شناخت و حس اعتماد و اطمینان و به طور کلی افزایش سرمایه اجتماعی بوده است.

یکی از نتایج این تحقیق این بود که در بین ابعاد اعتماد اجتماعی، شدت رابطه دینداری با اعتماد نهادی از سایر ابعاد اعتماد بیشتر بوده است. پیداکیس معتقد است که بین اعتقادات مذهبی و اعتماد به نهادها رابطه وجود دارد (Papadakis, 1999). با توجه به این که نظام رسمی در کشور ما به طور عمده مبتنی بر دین و آموزه‌های دینی است افزایش اعتماد به دینداران، زمینه افزایش اعتماد به نهادهای رسمی را بوجود می‌آورد و باعث افزایش بعد نهادی اعتماد اجتماعی خواهد شد. دستگاه‌های اجرایی و کلیه سازمان‌های شهری، کارکرد مرتفع کردن نیازهای جامعه شهری را بر عهده دارند. اگر آنها در انجام وظایف خود کوتاهی یا سستی نمایند، طبیعی است که از حمایت و اعتماد مردم برخوردار نخواهند بود. زوکر^۱ معتقد است اعتماد به دستگاه‌های اجرایی با ساختارهای رسمی اجتماعی که فراتر از معامله معین و الگوهای مبادله مخصوص تعمیم می‌یابند، پیوند می‌خورد (Batt, 2008: 488). در همین راستا پژوهش‌های انجام شده توسط بودوار و کان نشان داد که

اعتماد به سازمان‌ها، مرتبط با عملکرد مدیران سازمانی در خصوص رعایت عدالت و مواردی نظیر آن است (Celani and Salamon, 2008). بنابراین مسئولین و مدیران نهادها و سازمان‌های مختلف باید با تلاش جهت ترمیم و اصلاح رفتار و گفتار خود بویژه در عمل به شعارها و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی، اعتماد مردم به خود را افزایش داده و از این طریق بر میزان اعتماد اجتماعی در جامعه بیفزایند.

در یک جمع‌بندی نهایی باید گفت که نتایج این تحقیق همسو با انتظار تئوریک تحقیق و در راستای نظریه گیدنز و دورکیم است که معتقد بودند دین و مناسک دینی زمینه‌ساز افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه است.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا. (۱۳۸۵)، تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- افشانی، سیدعلیرضا. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی در بین ساکنان شهر یزد (طرح پژوهشی). یزد: دانشگاه یزد.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ عباس عسکری ندوشن؛ سمیه فاضل نجف‌آبادی؛ محمد حیدری. (۱۳۸۸)، اعتماد اجتماعی: تحلیلی از سطوح و عوامل. مجله جامعه‌شناسی

کاربردی، شماره ۴.

- امیرکافی، مهدی. (۱۳۷۵)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران.
- انعام، راحله. (۱۳۸۱)، بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاهای نمونه شهرستان شهریار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.

- انگلهارت، رانلد. (۱۳۸۵)، «جهانی شدن و ارزش‌های پسامدرن»، ترجمه: حامد حاجی حیدری، راهبرد یاس، شماره ۶.
- انوری، حمیدرضا. (۱۳۷۳)، پژوهشی راجع به تقدیرگرایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- بالاخانی، قادر. (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر میزان اعتماد اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.
- پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان. (۱۳۸۶)، «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۷.
- پنجه‌بند، سیدیوسف. (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر خانواده بر میزان اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشرنی.
- حشمت‌یغمایی، محمدتقی. (۱۳۸۰)، دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۷)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زتومپکا، پیوتر. (۱۳۸۴)، اعتماد، یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه: فاطمه گلابی. تبریز: ستوده
- زین آبادی، مرتضی. (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن»، پژوهشنامه اعتماد اجتماعی، تهران: انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام.

- سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی. (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چاپ چهاردهم، تهران: آگاه.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۳)، «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن»، در *بررسی مسائل اجتماعی*، نوشته گروه مؤلفان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شریفی، طاهر. (۱۳۸۷)، «اعتماد اجتماعی و آموزه‌های دینی»، *پژوهشنامه اعتماد اجتماعی*، تهران: انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام.
- فصیحی، امان الله. (۱۳۸۶)، «دین و سرمایه اجتماعی»، *معرفت*، سال شانزدهم، شماره ۱۲۳.
- کتابی، محمود و دیگران. (۱۳۸۳)، «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی»، *فرهنگی*، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد ۱۷، شماره ۲.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- محسنی تبریزی، علیرضا و اسماعیل شیرعلی. (۱۳۸۸)، «عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: مورد پژوهی دانشگاه‌های کشور آلمان، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲.
- ملاحسنی، حسین. (۱۳۸۱)، *بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
- Alesina, A. & E. La Ferrara, (2000). "**Participation in Heterogeneous communities**", *The Quarterly Journal of Economics*, 115: 847-904.

- Batt, P.J. (2008). "**Building social capital in networks**", *Industrial Marketing Management*, 37.
- Bollen Kenneth, A. and Long, J. Scott, (1993). **Testing Structural Equation Models**. Newbury Park, CA: Sage.
 - Canland, C. (2000). "**Faith as social capital: Religion and community development in southern Asia**", *Policy Sciences*, 33.
 - Celani, A.; S. Deutsch-Salamon and P. Singh (2008). "**In Justice we Trust: A Model of the Role of Trust in the Organization in Applicant Reactions to the Selection Process**", *Human Resource Management Review*, 18 (2).
 - Collins R. (1985). **Three Sociological Traditions**. New York: Oxford University Press.
 - Collins, R. (2004). **Interaction Ritual Chains**, Princeton NJ: Princeton University Press.
 - Cook, K. S. (2001). **Trust in Society**. New York: Russell Sage.
 - Erden, A. and H. Erden (2009). "**Predicting organizational trust level of school managers and teachers at elementary schools**", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1.
 - Gambetta, D. (1988). "**Can We Trust?**" in D. Gambetta (ed), *Trust: making and Breaking cooperative Relations*, Oxford, UK: Basil Blackwell.
 - Gerald, C. (2005). "**The Counselor: Person and Professional**", *Theory and Practice of Counseling and Psychotherapy*, 7th ed., Monterey, Brooks/Cole.

- Greeley, A. (1997) "**The Other Civic American, Religion and Social Capital**", *the American Prospect*, 32.
- Hardin, R. (1996). "**Trustworthiness**", *Ethics*, 107.
- Johansson-Stenman, O.; W. M. Mahmud And P. Martinssonw (2009). "**Trust and Religion: Experimental Evidence from Rural Bangladesh**", *Economica*, 76.
- Papadakis, E. (1999) "**Constituents of Confidence and Mistrust in Australian Institutions**", *Australian Journal of Political Science*, 34.
- Shield, R. (2002). **Diamond Stories**. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Siala, H,; O'Keefe, R M and Hone, K S. (2004) "**The impact of religious affiliation on trust in the context of electronic commerce**", *Interacting With Computers*, 16 (1).
- Sosis, R. (2005). "**Does religion promote trust? The role of signaling, reputation, and punishment**", *Interdisciplinary Journal of Research on Religion* 1.
- Stone, w. (2001). "**Measuring Social Capital towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life Wendy Stone**", *Australian Institute of Family Studies, Research Paper, NO 24*.
- Sztompka, p. (1999). **Trust: A Sociological Theory**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Uslaner, E. M. (1999). "**Trust But Verify: Social Capital and Moral Behavior**", *Social Science Information*, 38.